

باز هم رسوائی

تلویزیون

قائم مقام وزیر آموزش و پرورش: وقتی که تلویزیون "بدآموز" باشد، بهترین "معلم" هم نمی تواند کاری کند.

آخرین
پرده های خلاقیت را بپاره کنید

او می گوید فیلم های تلویزیونی اثری مخرب برای کودکان و نوجوانان دارند و با شرایط جامعه امروز ما هماهنگ نیستند اغلب فیلمهای تلویزیونی به کشت و کشتار اختصاص دارد. در برنامه زن و زندگی هم از مجلات خارجی برای زن ایرانی مطالب غریب و دور از ذهن ترجمه شده پخش می شود. زندگی کولی وار فلان خواننده و ماجرای شوهر دزدی خواننده دیگر هم مهمترین موضوع مطبوعات است بنابراین وسائل ارتباط جمعی که باید "بدآموز" باشند مخرب و بدآموز شده اند این چکیده بحث هائی است

که در میزگرد انجمن اولیاء و مربیان که پیرامون وسائل ارتباط جمعی و تاثیر آن بر خانواده ترتیب یافته بود عنوان شد .

در ابتدای جلسه دکتر آصفی رئیس انجمن اولیاء و مربیان به ضرورت ارزیابی برنامه‌های رادیو تلویزیون و مطبوعات اشاره کرده و گفت؛ مطبوعات و رادیو و تلویزیون چرا ترجمه برابر با اصل نمی‌کنند؟ رادیو تلویزیون و دیگر وسائل ارتباط جمعی برداشتی ایرانی از زندگی ایرانی ندارند

صفی‌نیا قائم مقام وزیر آموزش و پرورش به تضاد بین آموزش از طریق تلویزیون با آموزش از مدرسه اشاره کرد و گفت؛ در حال حاضر وسائل ارتباط جمعی بعنوان یک " معلم " به خانه راه یافته‌اند .

در چنین شرایطی اگر وزارت آموزش و پرورش برای کودکان بهترین معلم را هم فراهم کند ، وقتیکه تلویزیون در خانه بدآموزی می‌دهد کاری از پیش نمی‌تواند ببرد بنابراین در وهله اول باید کاری کرد که وسائل ارتباط جمعی به خدمت " به آموزی " در آیند و چیزی که ما از تلویزیون می‌خواهیم این است که آموزش و پرورش را با توجه به مسایل اجتماعی ، فرهنگی و دینی ما پیاده کند .

معنویات را فراموش کرده‌ایم :

صفی‌نیا سپس افزود در روزنامه‌ها نیز با چاپ و تشریح اخبار جنایی ، راه و روش سرقت را پیش پای بچه‌ها می‌گذارند و در این میان از آگهی‌های گمراه کننده و بدآموز تلویزیون هم نباید غافل بود . بطور کلی وسائل ارتباط جمعی باید به معنویات توجه بیشتری داشته باشند ، چون عاملی که ارکان قرن اخیر را متزلزل کرده است توجه زیاد به ماده است و دور شدن از معنویات . "

دکتر حکمت استاد دانشگاه و مشاور علمی وزارت علوم و آموزش عالی در انجمن اولیاء و مربیان در ادامه همین بحث گفت " متأسفانه یکی از وسائل بدآموزی در کشور ما وسائل ارتباط جمعی هستند . در اینجا لازم است به سهینما اشاره کنیم که مهم‌ترین وسیله تفریح جوانان و پدر و مادرهاست و بزاساس یک آمار تفریحی نیمی از

جوانان ما روزانه به سینما میروند که فیلم‌های مورد علاقه‌شان جاسوسی و جنگی است درحالی که با سمایش راه‌های زندگی در سینما می‌توان بیشترین آموزش را به جوانان داد...

از کیهان شماره ۹۸۴۴

تلویزیون میتواند شمارا بکشد

آیا زیاد نگاه کردن به تلویزیون و مدت طولانی در مقابل آن نشستن می‌تواند برای شما دردهای مختلف به همراه بیاورد و یا سلامتان را بخطر بیندازد؟ حقیقت این است که "پروفسور واکسن" اخیراً بعد از مدت‌ها مطالعه بر روی این مسئله به این نتیجه رسیده است که تماشای تلویزیون خطرات مختلفی را به همراه دارد و بسیاری از پزشکان نیز با وی در این مورد هم عقیده هستند. پروفسور واکسن که از اساتید دانشگاه لوس آنجلس است چنین اظهار داشته است "جای هیچگونه تردید نیست که امواج الکترومغناطیسی که از صفحه تلویزیون می‌گذرد اثر قابل ملاحظه‌ای بر روی ارگانسیم انسانی می‌گذارد این امواج که از طریق تلویزیون یا رادار و یا بسیاری از لوازم برقی منزل فرستاده می‌شود از نوع کوتاه‌است و اولین آثاری که دارد بصورت سردرد و سرگیجه ظاهر می‌شود و موجب پائین آمدن ظرفیت فکری، تغییرات فشار خون، عدم ثبات هیجان‌ات و افزایش تخریب کننده "گلوبول" های سفید می‌گردد.

از این گذشته این امواج بر روی سیستم عصبی تاثیر بسیار بدی می‌گذارند و موجب بیماری‌های مختلف می‌شوند صاحب نظران در امر بهداشت در امر بکانه می‌توانند منکر تاثیر بهداشت رادیویی و اشعه ایکس بر روی جمعیت بشوند و این اشعه‌ها هر روز از طریق مختلف افزایش می‌یابند بطور مثال هر روز بیشتر از روز گذشته ایستگاه‌های فرستنده رادیویی و تلویزیونی ایجاد می‌شود و بر تعداد گیرنده‌های تلویزیون افزوده می‌شود و این خطر بخصوص در شهرهای بزرگ بیشتر مردم را تهدید میکند.

سازندگان وسائل ارتباط نظیر رادیو و تلویزیون ناچارند که از این پس این مسئله را بیشتر از پیش رعایت کنند و تا آنجا که ممکن است از افزایش اشعه ایکس و

این امواج رادیویی در محیط زیست انسان جلوگیری بعمل آورند".
نقل از مجله جوانان سال ۱۱ شماره ۵۵۳

بمخاطر میلیونها کودک ایرانی

آیا تلویزیون ملی ایران در اشاعه فرهنگ رسالتی برای خود قائل است؟ ساعت دوونیم بعداز ظهر پنجشنبه ۲۸ بهمن از برنامه دوم تلویزیون ملی ایران یک فیلم باصطلاح سینمایی بنام "کسی را لمس نکردم" پخش شد داستان فیلم درباره زن و شوهری بود. زن چهارماهه حامله بود که شوهرش متوجه می شود دچار بیماری است ناراحت می شود و سراغ دختر بچه ۱۲ساله‌ای می‌رود که نزدیکی با او را دلیل بیماری خود میدانند و به او اعتراض می‌کند دختر ۱۲ ساله که با سه چهار مرد دیگر رابطه داشته متوجه می‌شود که آن سه چهارتای دیگر را هم مبتلا کرده است. بعد که خانم حامله را آزمایش می‌کنند معلوم می‌شود که بیماری او در مرحله دوم است در حالی که بیماری شوهر در مرحله اول است. یعنی اینکه خانم بیماری را از شوهرش نگرفته و از کس دیگری گرفته است برای تسکین وجدان معذبتش (دلیل عذاب وجدانش را بعد می‌فهمیم) سراغ آن کس دیگر می‌رود و پس از سلام و علیک می‌گوید "چرا بمن نگفتی که سفلیس داشتی؟" . . . از بقیه داستان به علت شرم آور بودن خودداری می‌کنیم و جدا شرم‌آور بود.

این داستان چرند و مزخرف و رسوا را ممکن است یک چرند نویس آمریکایی یا اروپایی از سر شکم سیری و برای پرکردن جیبش نوشته و یک چرند ساز دیگر آن را به اصطلاح بصورت فیلم درآورده و بصورت یک کالا برای فروش عرضه کرده است این فیلم بدون هیچ حساب و کتابی به واحد نمایش تلویزیون ملی ایران رسیده کسی آنرا ندیده تا در مورد صلاحیتش تصمیم بگیرد، دبله شده بازم کسی ندیده و به نمایش عمومی درآمده است شاید هم دیده‌اند و آن را برای نمایش مناسب تشخیص داده‌اند چون بنازگی و بویژه از وقتی که برنامه‌های کانال دوم رنگی شد، از این قبیل شاهکارها فراوان نمایش داده‌اند.

خوب ممکن است یکی پیدا شود و بگوید که هدف از نمایش این فیلمها چیست و اگر آنها را نشان ندهند کجای کار لنگ خواهد شد؟ جز اینکه تصور کنیم که آقایان

مسئولان نمایش اینگونه فیلمها بخاطر اشاعه فحشاء رسالتی برای خود قائلند چه خیال دیگری میتوان کرد؟ آیا فیلم پیام سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و یا پزشکی داشت؟ آیا یک فیلم کم‌دی بود؟ اگر نشانش نمی‌دادند چه میشد؟ درحالیکه فریاد اعتراض آمریکایی‌ها از خشونت و بی‌پروائی فراوان فیلمهای تلویزیونی بلند شده نمایش این اراجیف در اینجا ضروری است؟ آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها که در مسائل جنسی آنقدر پیش رفته اند خود نمی‌خواهند اینهارا ببینند آنوقت ما حتما باید اینهارا ببینیم؟ آیا تلویزیون باید حتما روزی مثلا ده ساعت برنامه داشته باشد و برای پرکردن این ده ساعت مجاز است هر فیلمی را نمایش دهد؟ از وقتی که برنامه‌ها بطور رنگی پخش می‌شود برنامه دوم همه چیز را فدای رنگ کرده است و عجب اینجا است که ایسین چرندیات درست روی برنامه اول هم اثر کرده و درست مانند یک بیماری مسـمـری برنامه‌های این کانال را هم به ابتذال کشانده است. نمی‌خواهم بگویم که قبل از رنگی شدن برنامه‌ها، برنامه‌های کانال اول و دوم بی‌عیب و نقص بود اما آنوقت هاهفته‌ای دست‌کم دوسه تافلم سینمایی بدر دبخور هم نمایش میدادند (چون این‌گونه فیلمها را به عنوان فیلم سینمایی نمایش میدهند فیلم سینمایی را مثال زدم) اما از وقتی که برنامه رنگی شد برنامه دوم که فقط به رنگی بودن فیلمها توجه دارد یکسر به ابتذال مطلق کشیده شد و برنامه در واقع دست برنامه دوم را از پشت بست اینطور که پیداست هرکس هر فیلم رنگی تحویل تلویزیون بدهد نمایش داده خواهد شد نه کنترلی نه حسابی نه کتابی نه کوچکترین توجهی به اعتراض‌های مردم اگر فیرا این بود شهر من شیراز، چنگک روزهای زندگی، پیتون پلیس، داستان پلیس، بارتا و... چرا باید پخش می‌شد؟

اگر مجبورند از دوکانال هرروز ۷-۸ ساعت برنامه پخش کنند همان فیلمهای خوب قدیمی (فیلمهای گاری کوپر-گیبل-دبتریش، تریسی، یانگ، پره مینجر و والت دیسنی...) را تکرار کنند.

آیا همینقدر که ساعت برنامه پر شود آقایان دیگر مسئولیتی ندارند؟

چه اصراری است که آخرین پرده‌های اخلاقی را هم پاره کنید؟

بهترینست این فیلمها را هم در کنار فیلمهای خاص دیگر در همان محافل

مخصوص خودتان نمایش بدهید و مردم چشم و گوش بسته را به فیض دیدار آنها

نرسانید؟

از کیهان شماره ۱۰۱۰۳